

## بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.) بر تولید و تجارت فرش ایران

مصطفی ملایی\*

### چکیده

با احیاء تولید و تجارت فرش ایران در نیمه دوم قرن ۱۹م. / ۱۳ق.، سرمایه داخلی و خارجی در این رشته تولیدی به کار افتاده، منجر به سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در صنعت فرش کشور گردید. با گسترش این سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی در اواخر قرن مذکور و اوایل سده ۲۰م. / ۱۴ق.، نه تنها تولید فرش از رونق برخوردار گردید، بلکه تجارت این کالا نیز رشد قابل توجهی پیدا کرده، جنبه جهانی یافت. این روند علیرغم وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م. / ۱۳۳۲-۱۳۳۶ق.) و نوسانات حاصله، تا اواخر دوره قاجار ادامه یافت. جستار حاضر با هدف بررسی وضعیت تولید و تجارت فرش ایران همزمان با جنگ جهانی اول، در نظر دارد با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مستندات موجود، به این پرسش پاسخ بدهد که وقوع جنگ جهانی اول، چه تاثیری بر تولید و تجارت فرش کشور داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با آغاز جنگ و ناامنی‌های حاصل، علاوه بر آن که فعالیت تولیدی شرکت‌های سرمایه‌گذار تعطیل گردیده، تولید فرش در داخل کاهش یافت، با مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی و بروز مشکلات در صادرات فرش به خارج از کشور، همچنین آشفتگی اوضاع اقتصادی کشورهای واردکننده فرش و کساد بازارهای فرش، صادرات این کالا نیز بسیار تنزل یافت.

واژه‌های کلیدی: جنگ جهانی اول، قاجار، فرش، تولید، تجارت.

---

\* دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی. m.s.mollaii@gmail.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ |

## مقدمه

فرش در ایران دارای سابقه و قدمت چند هزار ساله است. در دوره اسلامی، برای اولین بار در عصر صفویه است که با حمایت شاهان صفوی و با تاسیس کارگاه‌های قالی‌بافی، فرش ایران از شهرت بالایی برخوردار گردیده، علاوه بر مفروش ساختن کاخ‌های شاهان و امراء صفوی و اهداء به سلاطین و امراء دیگر کشورها، بخشی از صادرات کشور را نیز تشکیل می‌داد. در فاصله سقوط صفویه تا شکل‌گیری سلسله قاجاریه، تحت تاثیر عواملی چون اوضاع آشفته سیاسی و اقتصادی داخلی، این کالا رونق پیشین خود را از دست داده، رکودی ناگزیر را به نظاره نشست.

با ظهور و تثبیت سلسله قاجار در اوایل قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و ایجاد امنیت در کشور، در پرتو اعاده نظم توسط شاهان این سلسله، صنعت فرش مجدداً در مسیر رونق قرار گرفت. در این بین، اگر چه ادغام ایران در شبکه جهانی تجارت و واردات بی‌رویه اجناس و مصنوعات صنعتی و ارزان قیمت غربی از دهه ۱۸۳۰م. / ۱۲۵۰ق.، موجبات نابودی بسیاری از صنایع بومی کشور را فراهم ساخت، با این حال، قالی‌بافی یگانه رشته صنایع محلی بود که در نیمه اول قرن ۱۹م. / ۱۳ق.، جایگاه خود را حفظ نموده، حتی در حال گسترش نیز بود.

صنعت فرش کشور در نیمه دوم قرن ۱۹م. / ۱۳ق.، تحت تاثیر عواملی چون آشنایی و علاقه‌مندی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها نسبت به فرش‌های تولیدی ایران و تقاضای ناگهانی از جانب آن‌ها برای خرید این کالا، همچنین به دلیل وجود نیروی انسانی (بافندگان) فراوان و ارزان و دسترسی به مواد خام مورد نیاز در داخل کشور، به تدریج از رشد و رونق خوبی برخوردار گردید.

با رونق گرفتن فرش ایران و تقاضا برای این کالا در بازارهای جهانی، سرمایه داخلی و خارجی نیز در این رشته تولیدی به کار افتاد. در آغاز، تجار بومی مدیریت این کار را عهده‌دار شدند. طولی نکشید که با افزایش تقاضا برای فرش ایران در بازارهای بین‌المللی، تجار و شرکت‌های خارجی نیز بازار فرش ایران را سودمند یافته، در ربع آخر قرن ۱۹م. / ۱۳ق. به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش کشور روی آوردند. به طوری که براساس گزارش‌های موجود، همزمان با اواخر سده مذکور و اوایل قرن ۲۰م. / ۱۴ق.، بخش عمده عملیات تولیدی و تجاری فرش کشور زیر نظر کمپانی‌های خارجی انجام می‌شده است.

در این بین، تجار ایرانی، عمدتاً نقش دلال و واسطه را برای شرکت‌های خارجی بازی می‌کردند.

شرکت‌های خارجی تا آغاز جنگ جهانی اول (۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ م. / ۵ رمضان ۱۳۳۲ ق.)، با سرعت زیادی دایره فعالیت‌های تولیدی و تجاری خود در حوزه صنعت فرش ایران را گسترش دادند. گزارش‌های موجود نیز نشان می‌دهد که در دهه اول قرن ۲۰ م. / ۱۴ ق.، تولید و تجارت فرش کشور از رونق بالایی برخوردار بوده است. با این حال، با وقوع جنگ، به دلیل ناامنی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی حاصل از آن، که به آن پرداخته خواهد شد، همزمان با توقف فعالیت کمپانی‌های خارجی در بخش صنعت فرش، تولید و تجارت فرش کشور نیز با رکود نسبی مواجه شد. سرانجام با پایان گرفتن جنگ و برقراری امنیت در داخل و خارج از کشور، مجدداً فعالیت‌های اقتصادی این شرکت‌ها (عمدتاً شرکت‌های آمریکایی) در بستر گذشته از سر گرفته شده، تولید و تجارت فرش نیز رونق پیشین خود را بازیافت.

این پژوهش بر اساس اسناد و گزارش‌های به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار، با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی نوسانات تولید و تجارت فرش ایران در طول سال-های جنگ جهانی اول، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است. وقوع جنگ جهانی اول، چه تاثیری بر تولید و تجارت فرش کشور داشته است؟ فرضیه پژوهش بر این است که با وقوع جنگ جهانی اول و ناامنی‌های داخلی و بین‌المللی حاصل از آن، نه تنها شرکت-های سرمایه‌گذار در صنعت فرش، فعالیت‌های تولیدی و تجاری خود را متوقف ساخته، به تبع آن عمده کارگاه‌های تولید فرش و تجارت‌خانه‌های مربوطه به کلی تعطیل گردید، بلکه به واسطه ناامن شدن راه‌های داخلی و مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی و بروز مشکلات در صادرات فرش، همچنین کساد بازارهای جهانی این کالا، صادرات فرش به خارج از کشور نیز بسیار تنزل یافت.

درباره پیشینه پژوهش حاضر باید گفت، پژوهش‌های چندی به شرح ذیل، در این خصوص نگاشته شده است: «لعبت فرد» و «ثواب» در مقاله «عوامل موثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم» (لعبت فرد و ثواب، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۷)، ضمن معرفی مراکز تولید فرش و بررسی جایگاه صنعت فرش ایران در قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق.، عمدتاً به رونق تجارت و صادرات فرش کشور در نیمه دوم این قرن پرداخته‌اند. «اتحادیه» و «پروان» نیز در مقاله «تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه»

(اتحادیه و پروان، ۱۳۸۹: ۳۶-۱)، اگر چه وضعیت تجارت و صادرات فرش کشور در دوره قاجار را مورد بررسی قرار می‌دهند، هیچ گونه اشاره‌ای به تأثیرات جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش کشور نمی‌کنند. «جیریائی» و «مفتخری» نیز در مقاله «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ ق. / ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱ م.)»، (جیریائی، مفتخری و سلیمانی مهنجانی، ۱۳۹۷: ۸۱-۹۹)، فقط به بررسی وضعیت تجار و تجارت فرش در محدوده جغرافیائی سلطان‌آباد عراق در اواخر دوره قاجار و همزمان با جنگ جهانی اول می‌پردازند. در این بین، «ترابی فارسانی» نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکرد تجار به مسائل سال‌های جنگ اول جهانی» (ترابی فارسانی، ۱۳۸۳: ۳۸-۲۴)، علیرغم این که به تفصیل به پیامدهای بروز جنگ جهانی اول در کشور و مشکلات و ناامنی‌های حاصل از آن و شکایت تجار از وضع موجود پرداخته است، هیچ گونه اشاره‌ای به تأثیر جنگ بر عملکرد تجار فرش ایران و تجارت این کالا نمی‌کند. از این رو پژوهش حاضر درصدد است، با تکیه بر گزارش‌ها و مستندات به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار و با نگاهی متفاوت از دیگر نوشته‌ها، با بررسی وضعیت تولید و تجارت فرش ایران همزمان با جنگ جهانی اول و تأثیرات جنگ بر روند تولید و تجارت این کالا، پرتویی برخلاء موجود در این زمینه بیفکند.

### وضعیت تولید و تجارت فرش ایران در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول

چنان چه اشاره شد، با احیاء صنعت فرش ایران در نیمه دوم قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق. و تقاضای ناگهانی غربی‌ها برای فرش کشور، به تدریج سرمایه داخلی و خارجی در این رشته تولیدی به کار افتاد. در آغاز، مدیریت این کار را بازرگانان داخلی، چون تجار تبریز، عراق (اراک)، همدان، کاشان، کرمان، فارس، یزد و خراسان عهده‌دار شدند (ساکما، ۱۳۸۲/۲۴۰، برگ ۱۵۸). این تجار علاوه بر سرمایه‌گذاری و اشتغال در بخش تجارت و داد و ستد فرش کشور، به تدریج با به کار انداختن کارگاه‌های کوچک و بزرگ قالی‌بافی در برخی از شهرها و روستاهای کشور و سروسامان دادن بافندگان این مناطق، اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش تولید فرش و تهیه قالی‌های نو نیز کردند (همان جا). به این ترتیب، از این زمان، تولید و صادرات فرش کشور که قبلاً بر نظام متداول سنتی بود، از یکپارچگی و نظم نسبی برخوردار گردید. با این حال، از آن جایی که سرمایه محلی ایران در چنان وضعیت مناسبی نبود تا توسعه بافت فرش را به ورای ضریب‌های سنتی پشتیبانی

نماید و برای تامین مالی آن، احتیاج به سرمایه‌گذاری بیشتری بود، شرکت‌های خارجی نیز تحت تاثیر عواملی چون رشد روزافزون تقاضا برای فرش ایران در بازارهای بین‌المللی، همچنین دسترسی به مواد خام مرغوب (ابریشم و پشم) و وجود نیروی انسانی (بافندگان) فراوان و ارزان در داخل، به سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت فرش ایران روی آوردند. فعالیت شرکت‌های خارجی در بخش تولید و تجارت فرش ایران، عملاً از دهه ۱۸۸۰م. / ۱۳۰۰ق. آغاز گردید و تا جنگ جهانی اول در بیشتر مراکز فرش‌بافی کشور گسترش پیدا کرد. از مهم‌ترین این تجارت‌خانه‌ها و شرکت‌ها باید از کمپانی‌های انگلیسی، آمریکایی، ایتالیایی، روسی و آلمانی «زیگلر» (Ziegler)، «تولید قالی شرق» (Oriental Carpet Manufacturers Ltd)، «هاتس و پسران» (Hotz and Sons)، «نیرکوکاستلی و برادران» (Nearco Castelli and Brothers)، «آندریا» (Andrea)، «قالی شرق» (Oriental Carpet)، «تیموریان» (Teymourian)، «تاوشانجیان» (Taushandjian)، «قره‌گزیان» (Qaraqozian)، «تلفیان» (Telphyan)، «فريتس و لارو» (Fritz and Larue)، «تیریاکیان» (Tyriakian)، «دنچیان» (Dynchian)، «قازان» (Qazan)، «برادران باردویل» (Brothers Bardeville)، «استیونس» (Stevens)، «نادژدا» (Nodzhede)، «گنجی‌اف» (Ganjiov) و «پتاگ» (Persische Teppich Gesellschaft) نام برد (استادوخ، ۱۳۳۰/۵۴/۳۷ق، برگ ۳۴؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۵۳-۵۵؛ سیسیل‌ادواردز، ۱۳۶۸: ۲۳۰) که در مراکز قالی‌بافی سلطان‌آباد، کرمان، تبریز، کاشان، خراسان، کردستان، همدان، فارس، یزد و قزوین در بخش تولید و تجارت فرش سرمایه‌گذاری و اشتغال داشتند.

فعالیت‌های تولیدی و تجاری این کمپانی‌ها در آغاز محدود به تجارت فرش، یعنی خرید و صادرات فرش‌های موجود در بازار ایران به خارج از کشور بود (Ittig, 1990: 879). با این وجود، محدودیت میزان تولید داخلی در مقایسه با افزایش تقاضای موجود در بازارهای بین‌المللی، این شرکت‌ها را بر آن داشت تا به تدریج سرمایه‌گذاری خود را توسعه داده، خود دست‌اندرکار تولید فرش شوند. در همین راستا، آن‌ها ابتدا با عاملان محلی وارد مذاکره شده، قرارداد بافت بستند (ibid: 880). این عاملان ضمن توزیع مواد اولیه فرش‌بافی در میان بافندگان خانگی و سرپرستی جریان پیشرفت بافت، فرش‌های بافته‌شده را جمع‌آوری و به محل اداره این شرکت‌ها حمل می‌نمودند (ibid). کمپانی‌های خارجی به تدریج دایره فعالیت‌های خود را توسعه داده، با راه‌اندازی کارگاه‌های قالی‌بافی و ایجاد صباغ‌خانه‌های اختصاصی به‌کارگیری کارگران قالی‌باف، ضمن کنترل مالی و

تکنیکی (طرح و نقش) تولید فرش، مدیریت آن را نیز در دست گرفتند (ساکما، ۲۴۰/۱۵۵۳۷، برگ ۱۶).

با گسترش عملیات این شرکت‌ها، صنعت فرش کشور از رشد چشمگیری برخوردار گردیده، شمار دارهای قالی در مراکز فرش‌بافی کشور چند برابر شده و ارزش قالی‌های تولید شده نیز بسیار بالا رفت. به طوری که بنا به گفته «سیف» پژوهش‌گر معاصر، فقط در منطقه سلطان‌آباد شمار دارهای قالی، از ۴۰ دار در سال ۱۸۷۰م. / ۱۲۸۸ق. به ۲۷۰۰ دار در سال ۱۸۹۳م. / ۱۳۱۰ق. با ارزش ۵۰۰,۰۰۰ تومان یا معادل ۱۳۲۰۰۰ لیره استرلینگ رسید (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۹-۱۸۰). در تبریز نیز در سال ۱۸۹۸-۱۸۹۹م. / ۱۳۱۷-۱۳۱۸ق.، یک تبعه روسی به نام «محمدوف گنجه‌ای» در محله «نوبر»<sup>۱</sup>، یک کارگاه قالی‌بافی، متشکل از کارگاه‌های فرش‌بافی، رنگ‌رزانخانه، انبار و نانوبی احداث کرد که دارای ۲۰۰ دار بافندگی بود (فلور، ۱۳۹۳: ۴۱؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۴) و در آن ۱۵۰۰ (فلور، ۱۳۹۳: ۴۱)، و بنا به قولی ۲۰۰۰ بافنده (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۴) مشغول به بافت قالی بودند. در کرمان، کاشان و خراسان نیز تحولات مشابهی در صنعت فرش این مناطق شکل گرفت. به طور کلی، در اواخر دوره قاجار، به جز تجار بومی، حدود یازده نمایندگی تجاری، عمدتاً آمریکایی و انگلیسی در منطقه عراق (اراک) (استادوخ، ۲۶۷۹/۱۳۳۹ق، برگ ۸۳) و قریب ده اداره کمپانی، عمدتاً انگلیسی، آمریکایی و سوئیسی در منطقه کرمان (همان، ۱۳۰۵/۳۸/۱۳ش، برگ ۳۵) و همین‌طور در تبریز، همدان، کاشان، مشهد و یزد، در تولید، تجارت و صادرات فرش کشور، سرمایه‌گذاری و فعالیت داشتند (مجله فلاحت و تجارت، شماره ۵، مرداد ۱۲۹۷ش: ص ۵۸؛ کرزن، ۱۳۸۷: ۱۸۳/۲).

بدیهی است که با گسترش سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کشور در طی اواخر قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و ربع اول سده ۲۰م. / ۱۴ق.، صادرات فرش به خارج از کشور نیز افزایش یابد. آذربایجان، کرمانشاه، خراسان، فارس و بنادر خلیج-فارس اصلی‌ترین مبادی صادرات فرش به خارج از کشور محسوب می‌شدند (سیف، ۱۳۷۳: ۱۹۰-۱۸۶) که قالی‌های صادراتی از طریق این کانون‌ها به بازارهای روسیه، ترکیه (جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۰)، انگلستان، فرانسه، آلمان (استادوخ، ۲۱ / ۱۸ / ۱۳۱۸ق.، برگ ۱۱۶)، ایالات متحده آمریکا، هندوستان (همان، ۳۷ / ۱۱ / ۱۳۲۹ق.، برگ ۱۴) و مصر (همان، ۳ / ۴۹ / ۱۳۳۸ق.، برگ ۲۵) صادر می‌گردید. در این بین، آمریکا یکی از مهم‌ترین

۱. یکی از محله‌های تاریخی شهر تبریز که در دوره قاجار در مرکز این شهر واقع بوده است.

بازارهای فرش ایران به شمار می‌رفت که سهم قابل توجهی از آن را به خود اختصاص داده بود. به طوری که بر اساس اسناد و مستندات به جا مانده از اواخر دوره قاجار، ارزش کل فرش‌های صادراتی از ایران به ایالات متحده آمریکا از ۸۱۱،۲۴۱ دلار در سال ۱۹۰۷م. / ۱۳۲۵ق.، به ۴۳۷،۶۷۳ دلار در سال ۱۹۱۰م. / ۱۳۲۸ق. و ۱،۸۳۶،۷۳۸ دلار در سال ۱۹۱۳م. / ۱۳۳۱ق.، رسیده که به خوبی بیانگر روند صعودی صادرات قالی از ایران به آمریکا در طی سال‌های قبل از جنگ جهانی اول است (همان، ۱۳۰۴/۳۸/۵۶، برگ ۴). ترکیه از دیگر بازارهای اصلی فرش ایران به شمار می‌رفت که قسمت عمده فرش‌های صادراتی ایران به بازارهای اروپا از طریق این کشور، یعنی از راه قسطنطنیه (استانبول) که در آن زمان به صورت بازار جهانی قالی و مرکز تجمع تجار و مشتریان اروپایی درآمدی بود، صورت می‌گرفت (سیسیل ادواردز، ۱۳۶۸: ۸، ۶۶؛ همان، ۱۳۲۴/۱۳/۱۱، برگ ۱۱۰). گزارش‌های به جا مانده از اواخر دوره قاجار نیز نشان از سهم بالای بازار ترکیه، از فرش‌های صادراتی ایران در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول است. بر اساس این گزارش‌ها، در سال ۱۹۱۰-۱۹۱۱م. / ۱۳۲۸-۱۳۲۹ق. ارزش کل فرش‌های پشمی صادره به خارج از کشور ۴۵،۱۳۸،۳۵۶ قران بوده که از این میزان ۱۸،۰۲۷،۷۶۵ قران آن را، بازار ترکیه به خود اختصاص می‌داده است (جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۰).

به این ترتیب، با توسعه سرمایه‌گذاری و رشد فعالیت‌های تجار و کمپانی‌های خارجی در صنعت فرش کشور در اواخر دوره قاجار، این صنعت در آستانه جنگ جهانی اول از رونق و شکوفایی بالایی برخوردار گردید. به طوری که بر اساس اسناد و گزارش‌های موجود، در اوایل دهه ۱۸۷۰م. / ۱۲۹۰ق.، در آستانه ورود و سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها در تولید و تجارت فرش کشور، ارزش صادرات فرش ایران حدود ۷۵۰۰۰ پوند بود (فلور، ۱۳۹۳: ۲۶). اما با آغاز فعالیت این شرکت‌ها، این رقم در سال ۱۸۸۹م. / ۱۳۰۷ق.، به ۱۰۰،۰۰۰ لیره (کرزن، ۱۳۸۷: ۲/۶۲۵)، در ۱۹۰۰م. / ۱۳۱۹ق.، به ۵۰۰،۰۰۰ لیره و در آستانه جنگ (۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.)، به ۱۰۰۰،۰۰۰ لیره رسید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۹) که خود رقم قابل ملاحظه‌ای بود.

در این میان، اگرچه سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کشور در اواخر قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و اوایل سده ۲۰م. / ۱۴ق.، در کوتاه مدت باعث توسعه صنعت مزبور و گسترش تولید و تجارت فرش ایران، در سطح جهانی گردید. با این حال، در بلندمدت، حضور این شرکت‌ها، گاهی باعث ورود و استعمال رنگ‌های شیمیایی

و کاربرد طرح و نقش‌های مورد پسند این شرکت‌ها و مشتریان آن‌ها، در صنعت فرش کشور گردیده، آسیب‌های جدی متوجه این هنر اصیل و صنعت فرش ایران ساخت.

### جنگ جهانی اول و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در بخش تولید فرش

پس از آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۲-۱۳۳۶ ق.) کشورهای مختلفی درگیر جنگ شدند. ایران نیز یکی از کشورهایی بود که به علت اهمیت جغرافیایی و استراتژیک خود به محل رویارویی و برخورد دولت‌های متخاصم تبدیل شد. این جنگ در شرایطی در ایران شروع شد که کشور از شرایط سیاسی و اجتماعی مناسبی برخوردار نبود. بنابراین، تحت چنین وضعیتی، دولت ایران در نوامبر ۱۹۱۴ م. / ذی‌حجه ۱۳۳۲ ق.، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. با این وجود، با تهاجم کشورهای درگیر در جنگ روبه‌رو شده، به پایگاه نظامی دولت‌های متحد و متفق تبدیل گردید. تحولاتی که با فراهم ساختن یک دوره ناپایداری، موجبات صدمات و مصائب فراوانی برای مردم این سرزمین گردید. در وضعیت جدید، حضور بی‌شمار قوای بیگانه در غرب، جنوب و مرکز ایران و تامین آذوقه آنان و احشام‌شان که از طرف قشون مزبور بر اهالی مناطق تحت تصرف این نیروها تحمیل می‌گردید (ساکما، ۲۴۰/۶۷۶، برگ ۲۱-۲۲؛ استادوخ، ۱۳۳۶/۶۵/۸ ق، برگ ۳۵-۳۸)، زمینه ناامنی و قحطی فراگیر و مرگ و میر در کشور را در پی داشت. در این بین، آذربایجان، خراسان، همدان، سلطان‌آباد و کرمان از مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی کشور در اواخر دوره قاجار محسوب می‌شدند که به جهت قرار گرفتن بر سر راه‌های تجاری-نظامی، بیشتر از سایر مناطق ایران، مورد توجه نیروهای متخاصم واقع شده بودند. نمونه بارز این مورد، ایالت همدان بود که به جهت موقعیت ویژه خود، به عنوان نقطه تلاقی خطوط مواصلاتی در جاده بغداد-کرمانشاه-همدان (گرکه، ۱۳۷۷: ۶۹۷؛ سایکس، ۱۳۳۵: ۶۷۸)، به محل رفت و آمد و حضور این نیروها تبدیل شده، متحمل صدمات و خسارات هنگفتی گردید. در این بین، غارت آذوقه و اموال مردم منطقه برای تامین نیازهای نیروهای بیگانه، از مهم‌ترین عوامل نابودی حیات اقتصادی مردم همدان بود. مسئله‌ای که باعث نایاب شدن گندم و کمبود نان غذای اصلی مردم شد. اسناد به‌جا مانده از دوره قاجار، به خوبی بیانگر اوضاع اجتماعی و اقتصادی نابسامان این منطقه، در ایام جنگ جهانی و پس از آن است. در همین راستا، «وزارت امور خارجه» وقت در طی گزارش خود، در نوامبر ۱۹۱۷ م. / صفر ۱۳۳۶ ق، اوضاع آشفته این ایالت را این گونه تشریح می‌کند: «... همه



روزه علاوه بر قشون موجود، از طرف کرمانشاهان یا از طرف قزوین وارد [همدان] و خارج می‌شوند. ناچار برای آن‌ها آذوقه می‌خواهند ... قیمت گندم و جو و ذرت در حوزه حکومتی همدان از قرار خرواری چهل تومان به قران چرخمی ایران است ... روس‌ها در دهات [گندم را] تا هفتاد تومان هم خریده و حمل به ولایات دیگر می‌کنند ...» (استادوخ، ۱۳۳۶/۶۵/۸ق، برگ ۳۸). ادامه این گزارش نیز به اعتراضات مردم همدان نسبت به وضعیت موجود، خصوصا «... راجع به عسرت مردم ... مخصوصا اشخاصی که هر روز از گرسنگی مرده و می‌میرند...» (همان، ۱۳۳۶/۶۵/۸ق، برگ ۴۰) اختصاص یافته است. به این ترتیب، بررسی گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی و اقتصادی نابسامان همدان در طول سال‌های جنگ جهانی اول، بیانگر آن است که در این زمان، در بیشتر ولایات کشور وضعیت مشابهی برقرار بوده و در چنین شرایطی، عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی، به شدت فعالیت‌های تولیدی و مبادلات تجاری مردم را تحت تاثیر قرار داده بود. در این بین، صنعت فرش کشور نیز از این گونه ناامنی‌های حاصل از جنگ و بسته شدن راه‌های تجاری داخلی و بین‌المللی، متحمل خسارات جبران‌ناپذیری شده، میزان تولید فرش در هر دو شیوه خانواری و کارگاهی که در ذیل به جزئیات آن پرداخته خواهد شد، به پایین‌ترین سطح تنزل یافت.

چنانچه اشاره شد، در اواخر دوره قاجار تولید فرش در مراکز فرش‌بافی کشور، به دو شیوه خانواری و کارگاهی انجام می‌شد. در شیوه تولید خانواری، سرمایه‌دار و یا شرکت، طی قراردادی با محدودیت زمانی معین، مواد اولیه مورد نیاز را با مبالغی مساعده در اختیار بافندگان خانگی، عمدتاً روستایی قرار می‌داد و پس از اتمام بافت قالی و تسویه باقی دستمزد بافنده، قالی را تحویل گرفته، راهی بازار می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۶۹؛ فلور، ۱۳۹۳: ۲۴). عمده این قراردادها بین عاملین این شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌های آنان با بافندگان بوده است. مستندات موجود نیز بیانگر آن است که در بیشتر ولایات و مراکز قالی‌بافی کشور، عاملین این تجارت‌خانه‌ها اقدام به انجام قراردادهایی با بافندگان خانگی می‌کردند که علیرغم بروز مشکلاتی در اجرای شرایط قرارداد بین آن‌ها (استادوخ، ۱۳۳۳/۴۴/۱۸ق، برگ ۳۶؛ همان، ۱۳۳۶/۶۱/۵ق، برگ ۳۴)، این شیوه تولید تا زمان وقوع جنگ جهانی اول ادامه داشته است. به طوری که گفته می‌شود در سال‌های قبل از جنگ، شیوه تولید خانواری در بیشتر مراکز فرش‌بافی کشور رواج داشته و بخش عمده قالی‌های صادراتی از ایران در واحدهای کوچک خانواری تولید می‌شده است (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

با وقوع جنگ جهانی اول در اوایل قرن ۲۰م. / ۱۴ق.، شیوه تولید خانواری دچار مشکلات عدیده‌ای گردید. بر اساس اسناد به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار، شرکت‌های سرمایه‌گذار و تجارت‌خانه‌های آن‌ها که وظیفه تامین مواد اولیه و خامه مورد نیاز بافندگان و سپس تحویل فرش‌های بافته شده را داشتند، از یک سو، ناامنی حاصل از جنگ را بهانه قرار داده، در تهیه و تحویل به موقع این مواد به بافندگان خانگی کوتاهی کردند (ساکما، ۳۶۰/۶۲۴۶، برگ ۴۰-۴۱). از سوی دیگر، گاه بدون هماهنگی با کارگزاری‌های ایالات و در مواردی با همدستی این کارگزاری‌ها، علیرغم عسرت بافنده، با تهدید رعیت بیچاره، آن‌ها را مورد فشار و آزار قرار داده، خواستار بافت فوری فرش‌ها و تحویل آن‌ها شدند (استادوخ، ۱۳۳۶/۵۵/۵ق.، برگ ۱؛ همان، ۱۳۳۸/۴۶/۳ق.، برگ ۴۵). به عنوان نمونه، در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.، به دلیل وقوع جنگ، در قرارداد بافت فرش بین کمپانی آمریکایی «قالی شرق» و قالی‌باخان دهات متعلق به «فتح‌السلطنه همدانی» در قریه «داق‌داق‌آباد» و روستاهای پیرامون آن واقع در همدان، مشکلاتی بروز کرد و شرکت با مراجعه به کارگزاری همدان از تاخیر در بافت و تحویل به موقع فرش‌ها از سوی قالی‌باخان انتقاد کرده، خواستار بافت و تحویل فوری قالی‌ها گردید. این اقدام شرکت، بلافاصله «فتح‌السلطنه» را به واکنش واداشته، در مکاتبه با «وزارت امور خارجه» وقت، دلایل بروز مشکلات و تاخیر در تحویل قالی‌ها به شرکت مزبور را این گونه تشریح نمود: «... در ابتدای جنگ بین‌المللی در موقعی که دعوی ژندارم و قزاق در همدان اتفاق افتاد، قونسول‌ها و بانک شاهنشاهی از همدان خارج شدند و کمپانی تعطیل بود و خامه برای خاتمه قالی‌ها نمی‌دادند. این بنده مراسله‌ای به کفیل کمپانی [قالی شرق] ... در موضوع تاخیر خامه نوشته و آن جا متذکر شدم که اگر خامه نرسانیده و تاخیر شود و در این جنگ بین‌المللی عیب و نقصی متوجه قالی‌ها شود، مسئول کمپانی خواهد بود ... کفیل کمپانی در ذیل مراسله بنده نوشته، تصدیق می‌کند که از دادن خامه مسامحه شده است، لذا بر حسب سند مزبور تاخیر رسانیدن خامه از طرف کمپانی سبب تاخیر خاتمه قالی‌ها گردیده، تا قضیه ... غارت قالی‌ها پیش آمد و مسئولیت متوجه کمپانی می‌باشد» (ساکما، ۳۶۰/۶۲۴۶، برگ ۴۰).

البته این گونه اختلافات بین کمپانی‌های سرمایه‌گذار با قالی‌باخان خانگی در ایام جنگ، مختص به «داق‌داق‌آباد» نبود. در دیگر ولایات همدان، نظیر روستای کوهین از توابع شهرستان کبودرآهنگ نیز اختلافات مشابهی بین شرکت‌های خارجی و قالی‌باخان محلی

## | بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش ایران | ۱۰۱

وجود داشت. در همین خصوص، کارگزاری همدان در سال ۱۹۱۷م. / ۱۳۳۶ق.، در طی گزارش خود به «وزارت امور خارجه»، می‌آورد: «کمپانی که سابقا به اسم کاستلی و قازان مشهور و در تحت حمایت دولت انگیس بوده و حالیه به اسم شرکت اتفاق و در تحت حمایت دولت اتازونی است. مبلغی از رعایای دهات کوهین و کبودر آهنگ از بابت کتترات قالی ... طلب دارند ... با این وضع گرانی ولایت و غارت و ندادارائی رعایا، باز مدیر تجارت‌خانه مزبور اصرار می‌نماید که مطالبات مزبور وصول شود، در صورتی که قادر به هیچ چیز نیستند ...» (استادوخ، ۱۳۳۶/۵۵/۵ق، برگ ۲).

با توجه به مستندات موجود، همزمان در ایالت عراق (اراک) نیز که شرکت‌های خارجی در صنعت فرش آن منطقه سرمایه‌گذاری و حضوری فعال داشتند، وضعیت مشابهی برقرار بوده و با توجه به شرایط حاکم و ناامنی‌های حاصل از جنگ، بافت قالی‌های طرف قرارداد با شرکت‌های خارجی به تاخیر افتاده بود و کمپانی‌ها علیرغم آگاهی از وضعیت موجود، مدام فرش‌های خود را از رعایا و قالی باف‌ها طلب می‌نمودند. به طوری که کارگزاری عراق در گزارش خود به «وزارت امور خارجه»، می‌نویسد: «چون در این ایام دول متحاربه اروپا مشغول جنگ می‌باشند، تجارت‌خانه‌های خارجه مقیم در عراق با کمال جدیت مطالبه قالی و قالی‌های خود را که به محل دادند، می‌نمایند منجمله در دو ماه قبل از تجارت‌خانه‌های آلمانی و تجارت‌خانه از میری کمپانی قالی‌شوق به کارگزاری اظهار شد که ... بایستی یک نفر مامور از کارگزاری برای رسیدگی و تفتیش محل‌های قالی مزبور با آدم‌های خود تجارت‌خانه رفته، سرکشی نمایند و تحقیقات لازمه خود را به عمل آورده، معلوم شود که از این مقدار قالی، چه در محل موجود و تا چه اندازه بلامحل است. آن بود که یک نفر مامور مخصوص به معیت آدم‌های خود آن‌ها به محل روانه داشته، آن چه را که حاضر و موجود بود به تجارت‌خانه‌های مزبور تحویل و چند فرد دیگر که نصفه‌کاره بود، التزام سخت از صاحبان قالی گرفته که به موعده بیست روز دیگر اقدام نموده، قالی را بافته بیاورند شهر تحویل دهند ...» (همان، ۱۳۳۲/۵۴/۱ق، برگ ۲۱).

لازم به ذکر است، در این میان، کمپانی‌های خارجی در شرایطی رعیت قالی‌باف را تحت فشار و تهدید قرار می‌دادند که خود این شرکت‌ها از حضور گسترده نیروهای نظامی بیگانه در ایالاتی نظیر همدان و وجود ناامنی و غارت و قحطی حاصل از آن آگاه بودند. وضعیتی که شرایط سختی را بر منطقه حاکم ساخته بود و مانع از انجام هر گونه

فعالیت تولیدی توسط این رعایا می‌گردید. سرانجام، اختلاف بین کمپانی‌های خارجی با رعایای قالی‌باف در ولایات همدان بدان‌جا رسید که «فتح‌السلطنه همدانی» طی مکاتبه با «حاج‌ابوالقاسم»، از علما و مجتهدان اواخر دوره قاجار، با ارسال عریضه‌ای به شرح ذیل، خواستار تعیین تکلیف شرعی قالی‌باف‌ها در شرایط موجود شد. در این عریضه آمده است: «هر گاه کسی قبل از جنگ بین‌المللی با یک کمپانی کنتراتی نموده باشد که مقدار معین قالی بافته، تحویل دهد و بعد جنگ بین‌المللی شروع شده و آن دهات که محل بافتن قالی‌های مزبور بوده، میدان جنگ و محل اقامت قشون واقع شود و سلب امنیت از عموم رعایا و مالکین شده، به طوری که هر کس عیالات خود را برداشته، فرار کند و مال همگی در معرض غارت واقع شود و ضمناً هم چند وصله از قالی‌های تمام شده و چند وصله هم از قالی‌های ناتمام با مقداری مصالح قالی متعلق به کمپانی مزبور ... غارت شود، آیا در چنین مورد ... شخص کنترات شونده نسبت به قالی‌های غارت شده، ضمانتی دارد یا خیر. مستدعی است فتوای شرعی آن چه هست مرحمت فرموده، مرقوم فرمایید» (ساکما ۳۶۰/۶۲۴۶، برگ ۴۷).

به این ترتیب، با توجه به گزارش‌های فوق، همزمان با جنگ جهانی اول، به جهت حضور قشون طرف‌های درگیر و ناامنی‌های حاصل از آن در برخی از مراکز قالی‌بافی ایران، نظیر سلطان‌آباد، همدان، کردستان، تبریز، کرمان و خراسان، تولید قالی به شیوه خانگی متحمل خسارات جبران‌ناپذیری گردید. «فتح‌السلطنه» در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق. در یکی از گزارش‌های خود به «وزارت امور خارجه»، گوشه‌ای از خسارات وارده به قالی‌بافان روستای «داق‌داق‌آباد» را این گونه به تصویر می‌کشد. «... هشت تخته قالی بزرگ متعلق به کمپانی [قالی شرق] که ذرع مربع آن صد و شصت ذرع بوده و چندین قالی نیمه‌کاره و مقداری خامه و سایر مصالح فرش متعلق به کمپانی را روس‌ها غارت کردند ... در موقعی که قشون روسی خانه‌ها و دارایی بنده و سایر مردم را خراب و با خاک یکسان نمودند، همه فرار نموده و ناموس خود را برداشته، می‌رفتند و احدی قادر بر حفظ مال و ناموس خود نبود ...» (همان، ۳۶۰/۶۲۴۶، برگ ۳۹).

این گونه بود که در طول چهار سال جنگ جهانی اول، بر اثر وقوع جنگ و حضور قوای نظامی متفقین و متحدین و تسلط متناوب آنها بر مناطقی از کشور، امنیت اجتماعی و اقتصادی از بین رفته، تولید قالی در کارگاه‌های خانگی که قسمت عمده فرش‌های

## | بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش ایران | ۱۰۳

صادراتی ایران به خارج از کشور را تشکیل می‌داد، دچار خسارات و صدمات فراوانی گردید و ارزش صادرات فرش ایران در طول این مدت بسیار تنزل یافت.

دومین شیوه تولید فرش در اواخر دوره قاجار، شیوه تولید کارگاهی بود. اگر چه این شیوه از نیمه دوم قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و همزمان با سرمایه‌گذاری تجار تبریز در تولید و تجارت فرش، در مراکز قالی‌بافی کشور توسعه یافت، اما در واقع، پس از سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در صنعت فرش ایران، در اواخر قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و اوایل قرن ۲۰م. / ۱۴ق.، از گسترش همه جانبه برخوردار گردید. در این کارگاه‌ها، سرمایه‌گذار (شرکت) کارگران قالی‌باف را استخدام کرده، ضمن پرداخت دستمزد آن‌ها به صورت روزانه و کنترل مالی تولید، بر جنبه‌های تکنیکی (طرح و نقش) آن نیز نظارت داشت و در نهایت فرش‌های تولیدی را حمل به بازار می‌نمود (بنجامین، ۱۳۹۱: ۳۸۶؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۶؛ نیز، نک: ساکما، ۳۶۰/۶۲۴۶، برگ ۲۳).

تولید فرش به صورت کارگاهی تا آغاز جنگ جهانی اول از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار گردید، به طوری که شرکت‌های خارجی فقط در سلطان‌آباد، با سرمایه‌گذاری حدود یک میلیون لیره، سه هزار دستگاه قالی‌بافی راه‌اندازی کردند (سیسیل‌ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۵۴). در کرمان نیز شمار دارهای قالی‌بافی از ۲۲۰ دار در ۱۸۵۰م. / ۱۲۶۷ق.، به ۱۰۰۰ دار در ۱۹۰۴م. / ۱۳۲۲ق.، رسید. در همین حال ارزش قالی‌های بافته شده در این ایالت نیز از ۱۵۰۰۰ تومان در سال ۱۸۵۰م. / ۱۲۶۷ق.، به ۳۰۰۰۰۰ تومان در سال ۱۹۰۴م. / ۱۳۲۲ق.، افزایش یافت (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۸-۱۷۹). با این حال، همزمان با دوره جنگ، بنا به دلایل مختلف، بیشتر این کارگاه‌ها تعطیل گردیده، تولید فرش نیز کاهش یافت.

بر اساس اسناد به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار، در این ایام، عوامل موثر بر کاهش تولید فرش به شیوه کارگاهی را می‌توان به دو دسته عوامل داخلی و خارجی تقسیم نمود. در این بین، با توجه به تبعات جنگ و تاثیر آن در فراهم شدن اغتشاشات داخلی، از مهم‌ترین عوامل داخلی موثر در کاهش تولید فرش، مشکل تامین امنیت جهت فعالیت‌های تولیدی و تجاری شرکت‌های سرمایه‌گذار از جانب دولت بود. مسئله‌ای که باعث تعطیلی کمپانی‌ها و ادارات خارجی و تجارت‌خانه‌های آن‌ها و به تبع آن کارگاه‌های فرش‌بافی مربوطه گردید. در اسناد و گزارش‌های موجود نیز اشارات متعددی به این قبیل مسائل و مشکلات شده است. در سال ۱۹۱۵م. / ۱۳۳۳ق.، مدیر یکی از کارگاه‌های قالی‌بافی وابسته به شرکت‌های آمریکایی سرمایه‌گذار در صنعت فرش سلطان‌آباد، در طی گزارش خود،

ضمن انتقاد از ناامنی‌های موجود در آن‌جا، از عدم امنیت جانی بافندگان و احتمال سرقت اموال و مال‌التجاره کارگاه‌ها خبر داده، خواستار تامین امنیت از طرف دولت شده است (استادوخ، ۱۳۳۳/۵۴/۷، برگ ۱). گزارشی که باعث عکس‌العمل «وزارت امور خارجه» وقت شده، این وزارت‌خانه بلافاصله در طی مکاتبه با کارگزاری عراق (اراک)، خواستار حراست از تجارت‌خانه‌های آمریکایی و ایتالیایی مستقر در آن منطقه و تامین امنیت جهت فعالیت‌های تولیدی و تجاری آنان شده (همان، ۱۳۳۳/۵۰/۷، برگ ۱-۷)، می‌آورد: «وضع سلطان‌آباد سخت است ... و اگر وضع بهتر نشود، دکاکین بسته خواهد شد. مامور قنصل‌گری آلمان به موجب مراسله، ادارات [تجارت‌خانه‌ها] را به سوار و دستجات مسلحه تهدید کرده است. شش نفر صاحب‌منصب آلمانی نیز از کرمانشاهان با بسته‌های اسلحه و قورخانه تازه وارد شده‌اند. به علاوه مامور قنصل‌گری آلمان اعلام داشته که جبراً بانک شاهنشاهی را خواهد بست و موافق اطلاعاتی که به ویس قنصل انگلیس رسیده، او و اتباع انگلیس در خطرند، نمی‌دانم چرا تاکنون تفصیل این اوضاع را راپرت نداده‌اند. اگر قضیه این طور است به فوریت اقدامات جدی در بقای امنیت نموده و اسباب اطمینان ویس قنصل و اتباع انگلیس را فراهم بیاورید ... اگر ژاندارمری و پلیس به وظایف خود رفتار می‌کنند، این خطرات و انقلابات چگونه تصور شده است. زود راپرت اوضاع را تلگراف نمایید» (همان، ۱۳۳۳/۴۴/۱۸، برگ ۱۱).

البته، این گونه ناامنی‌ها مختص منطقه سلطان‌آباد نبوده است. بنابر مستندات موجود، در همین سال (۱۹۱۵م. / ۱۳۳۳ق.) در کرمان نیز آلمانی‌ها با تعرض به کارگاه‌های قالی‌بافی شرکت آمریکایی «براندلی»، مانع فعالیت تولیدی تجارت‌خانه مزبور شدند (همان، ۱۳۳۳/۵۴/۲۲، برگ ۲۰). همچنین، در همان زمان، در شهر تبریز نیز نیروهای روسیه به بهانه همکاری برخی از عمال شرکت آلمانی «پتاگ» با عثمانی‌ها، تاسیسات و کارگاه‌های قالی‌بافی این شرکت را غارت و تخریب نموده، ضمن انتقال فرش‌های شرکت به روسیه و بازداشت افراد آن، مانع فعالیت تولیدی این شرکت شدند. عملی که باعث اعتراض دولت وقت ایران نسبت به رفتار روس‌ها شد (همان، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹، برگ ۶۲ و ۲۵۳). با این حال، دولت روسیه ضمن تکذیب غارت اموال شرکت «پتاگ» توسط نظامیان روسیه، یادآور شد که تصرف ساختمان و اموال تجارت‌خانه مزبور توسط نیروهای روسیه به طور موقت بوده و پس از پایان جنگ جهانی تحویل شرکت مزبور خواهد گردید (همان، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹، برگ ۲۰۱-۲۰۲). سه سال بعد (۱۹۱۸م. / ۱۳۳۶ق.)، در کاشان

## | بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش ایران | ۱۰۵

نیز مدیر کمپانی آمریکایی «قازان» از سرقت اموال خود توسط افراد ناشناس گزارش داد (همان، ۱۳۳۶/۸۸/۸، برگ ۱۲). به این ترتیب، حضور نیروهای بیگانه در کشور همزمان با جنگ و ناامنی‌های حاصل از آن، به عنوان یکی از عوامل موثر بر کاهش تولید فرش، مانع فعالیت تولیدی و تجاری شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش گردیده، موجبات تعطیلی کارگاه‌های قالی‌بافی و تولیدات آن‌ها را فراهم ساخت.

به جز عامل ناامنی، کمبود مواد اولیه مورد نیاز در صنعت فرش، از دیگر عوامل داخلی موثر در کاهش تولید فرش به صورت کارگاهی در ایام جنگ جهانی بوده است. در این خصوص باید گفت، یکی از دلایل روی آوردن شرکت‌های خارجی جهت سرمایه‌گذاری در صنعت فرش، وجود مواد اولیه مورد نیاز فرش‌بافی در داخل کشور بود. در این دوره پشم و ابریشم از جمله مواد خام مورد استفاده در فرش‌بافی بود. اما با توجه به همزمان شدن احیاء صنعت فرش کشور با شیوع بیماری کرم ابریشم در دهه ۱۸۶۰م. / ۱۲۷۷ق.، پشم عمده‌ترین ماده خام مورد استفاده در صنعت مزبور را تشکیل می‌داد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۳-۱۴۷).

با وقوع جنگ و حضور نیروهای بیگانه در داخل کشور، بنا به دلالتی، صنعت فرش با کمبود پشم مواجه شده، تولید فرش به صورت کارگاهی بسیار کاهش پیدا کرد. در سال ۱۹۱۸م. / ۱۳۳۶ق.، «وزارت مالیه» در گزارش خود به خوبی این مسئله را روشن می‌سازد. در این گزارش آمده است: زمانی که «... قشون اجنبی به خاک ایران داخل شدند، برای تغذیه خودشان اقلا دو ثلث گوسفندها را مصرف نمودند ... طبیعی است دهاتی‌ها [هم] چون دیدند یک نفع زیاد و آنی در فروش گوسفند برای آن‌ها موجود است، از فروش گوسفند مضایقه نکردند. مثلا در اطراف زنجان که کمپانی‌ها دوهزار خروار پشم خریداری کرده بودند، حالیه به زحمت می‌توان چهارصد خروار تهیه نمود ... [لذا] عده گله‌های گوسفند در تمام مملکت ... رو به نقصان گذاشت. از این جهت امروز صنعت قالی از مواد اولیه محروم است (ساکما، ۲۴۰/۶۷۶، برگ ۲۱ و ۲۲). البته، با توجه به اسناد مذکور، در این میان، علاوه بر اتلاف احشام و گوسفندان در داخل کشور، حمل و صادرات آن به خارج از کشور نیز در کمبود پشم مورد نیاز صنعت فرش، موثر بوده است (همان‌جا).

چنانچه اشاره شد، در این زمان علاوه بر عوامل داخلی، برخی عوامل خارجی نیز در کاهش تولید فرش به صورت کارگاهی تاثیرگذار بودند. در این بین، مسدود شدن راه‌های

تجاری بین‌المللی و به تبع آن بروز مشکلات در صادرات فرش‌های تولیدی به خارج از کشور و واردات نیل مورد نیاز این صنعت به داخل، از مهم‌ترین این عوامل بوده است (همان، ۱۱۶۷۶/۲۴۰، برگ ۱۸۵؛ همان، ۱۴۹۴/۲۴۰، برگ ۲۱۱). در این رابطه باید گفت، در اواخر دوره قاجار قالی عمدتاً برای عرضه در بازارهای خارج تولید می‌شد. بنابراین، عامل اصلی رونق تولید قالی ایران در ربع پایانی قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و دهه اول سده ۲۰م. / ۱۴ق.، گسترش مناسبات تجاری ایران با کشورهای دنیا و افزایش صادرات فرش به بازارهای جهان خصوصاً بازار کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا بوده است. اسناد و گزارش‌های موجود نیز نشان می‌دهد که در دهه اول قرن ۲۰م. / ۱۴ق.، تنها در منطقه کرمان، ده شرکت عمدتاً انگلیسی و آمریکایی در بخش تولید و تجارت فرش فعالیت داشتند (استادوخ، ۱۳۰۵/۳۸/۱۳ش، برگ ۳۵) و عملیات تولیدی و تجاری از چنان وسعتی برخوردار بود که فقط کمپانی «قالی شرق»، «... قریب یک‌هزار باب کارخانه قالی‌بافی ...» (ساکما، ۱۵۵۳۷/۲۴۰، برگ ۱-۵) در این ناحیه دایر کرده بود و به کار تولید فرش و صادرات آن به بازارهای اروپا و آمریکا اشتغال داشت. با این وجود، با وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.، به واسطه مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی و قطع روابط تجاری (همان، ۱۱۶۷۶/۲۴۰، برگ ۱۸۵؛ مجله فلاح و تجارت، شماره ۹، سال ۱۲۹۷ش: ص ۱۵۰)، صادرات فرش به این کشورها نیز متوقف شد. در این خصوص، «وزارت فلاح و تجارت» در سال ۱۹۱۸م. / ۱۳۳۶ق.، در گزارش خود می‌آورد: «... به واسطه پیش‌آمد جنگ، تجارت قالی دچار بحران شدیدی گردید و از سه سال قبل تاکنون تقریباً به هیچ وجه قالی به خارج صادر نمی‌شود، چنان‌چه باز مدتی به طول انجامد، مقدار زیادی قالی در این مملکت باقی ...» (استادوخ، ۱۳۳۶/۵۵/۸ق. برگ ۱۶) می‌ماند. نتیجه این که با تراکم بالای قالی‌های تولیدی در داخل کشور در سال‌های قبل از جنگ و کاهش عرضه و صادرات آن‌ها در طول سال‌های وقوع جنگ، کمپانی‌های خارجی سرمایه‌گذار در صنعت فرش نیز فعالیت‌های تولیدی خود را متوقف ساخته، تجارت‌خانه‌های آنان به کلی تعطیل گردید (همان، ۱۳۳۲/۴۴/۲ق، برگ ۵). به طوری که در سال ۱۹۲۰م. / ۱۳۳۸ق.، کارگزاری عراق (اراک) در گزارش خود به «وزارت امور خارجه» می‌آورد: «تقریباً چهار سال [است] کارخانه‌های قالی‌بافی به واسطه جنگ اروپا و غیره به کلی بسته شده ...» (همان، ۱۳۳۸/۴۶/۳ق، برگ ۳۳) است.



به این ترتیب، این گونه بود که با وقوع جنگ جهانی اول در طی سال‌های ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق. تا ۱۹۱۸م. / ۱۳۳۶ق. و ناامنی‌ها و پیامدهای حاصل از آن در داخل و خارج از کشور، فعالیت شرکت‌های تولیدی و کارگاه‌های قالی‌بافی تحت مدیریت آن‌ها تعطیل گردیده، با کاهش تولید فرش، خسارات جبران‌ناپذیری بر صنعت فرش کشور وارد شد. به طوری که بنابر اسناد به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار، فقط در ایالت خراسان، مجموع خسارات وارده بر صنعت فرش ۳۸,۰۷۵,۰۰۰ تومان برآورد گردید (همان، ۱۳۳۷/۶۷/۱۹ق، برگ ۱۶).

### تاثیر جنگ جهانی اول بر تجارت خارجی فرش ایران

جنگ جهانی اول، عامل تغییرات و اصلاحات بنیادی مهمی در اوضاع اقتصادی جهان در سده ۲۰م. / ۱۴ق. بود. اگر چه این جنگ به توسعه صنعت و رونق اقتصادی ایالات متحده آمریکا کمک کرد، در عین حال، باعث رکود اقتصاد در سایر نقاط جهان گردید. در حوزه تجارت، ناامنی‌های حاصل از جنگ، نه تنها موجب مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی و به تبع آن بحران تجارت جهانی گردید، بلکه باعث ناامن شدن راه‌های تجاری داخلی و سبب تقلیل صادرات و واردات کشور نیز شد.

در این بین، فرش در اواخر دوره قاجار، مهم‌ترین کالای صادراتی ایران در بازارهای اروپا و ایالات متحده آمریکا محسوب می‌گردید که با وقوع جنگ در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.، صادرات آن بسیار تنزل پیدا کرد. اسناد و گزارش‌های به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار نیز گواه ناامنی راه‌های تجاری داخلی و سرقت مال‌التجاره تجار و بازرگانان در این زمان است. قسمت عمده این گزارش‌ها که حاوی اطلاعات باارزشی در رابطه با اوضاع اقتصادی و تجاری ایران همزمان با جنگ جهانی است، مربوط به شکایت شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در صنعت فرش کشور، از سرقت بارهای قالی و مال-التجاره خود، به هنگام حمل به گمرک بوده است. در همین خصوص، در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.، کنسول انگلیس در کرمان در مکاتبه با «وزارت امور خارجه»، از شکایت شرکت ایتالیایی «کاستلی» (Castelli) در رابطه با سرقت مال‌التجاره خود در بخش دولت‌آباد کرمان، توسط راهزنان منطقه خبر می‌دهد (همان، ۱۳۳۲/۵۴/۱ق، برگ ۳۰). در همان سال «آندریا» از دیگر شرکت‌های ایتالیایی سرمایه‌گذار در صنعت فرش کشور، از سرقت قالی‌های خود در مسیر حمل به گمرک بوشهر گزارش می‌دهد (همان‌جا). در سال

۱۹۱۷م. / ۱۳۳۶ق.، نیز گزارشات مشابهی از سرقت بارهای قالی و مال‌التجاره شرکت‌های آمریکایی «تاوشانجیان» در مسیر حمل از خوانسار به اصفهان (همان، ۱۳۳۶/۵۵/۶ق، برگ ۱۱) و «تیموریان» در مسیر حمل از همدان به نجف‌آباد (همان، ۱۳۳۶/۵۵/۲۲ق، برگ ۱-۲) به «وزارت امور خارجه» ارسال شد. بدیهی است بیشتر این سرقت‌ها، از جانب گروه‌های راهزن و طوایف ساکن در این مناطق شکل می‌گرفته است (همان، ۱۳۳۵/۲/۱۵ق، برگ ۳۴) رفتاری که نه تنها ناشی از آشفتگی و هرج و مرج حاکم بر کشور و ضعف دولت مرکزی در برقراری امنیت در مناطق مذکور بوده، بلکه پیامدهای حضور نیروهای بیگانه در کشور و شیوع قحطی و گرسنگی حاصل از آن در بین مردم نیز در وقوع این گونه اعمال، بی‌تاثیر نبوده است.

با این حال، بنابر گزارش‌های موجود در برخی موارد شرکت‌های خارجی مدعی بودند، نیروهای دولتی (قراسوران‌ها)<sup>۱</sup> و رفتار دوگانه آن‌ها، عامل اصلی رخداد این گونه حوادث است. به طوری که در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.، گزارش‌های شرکت «کاستلی» حکایت از سرقت مال‌التجاره این شرکت از جانب نیروهای تحت امر ماشاءالله‌خان کاشی، رئیس قراسوران‌های منطقه کاشان، در مسیر حمل از کاشان به اصفهان داشته است (همان، ۱۳۳۲/۵۴/۷ق، برگ ۱). به این ترتیب، با توجه به مستندات و گزارش‌های فوق باید گفت، حضور نیروهای متخاصم در داخل کشور همزمان با جنگ جهانی اول، علاوه بر نابسامانی اوضاع سیاسی مملکت، با سلب امنیت اجتماعی و اقتصادی داخلی، مبادلات و فعالیت‌های تجاری تجار و شرکت‌های سرمایه‌گذار را تحت تاثیر قرار داده، باعث تنزل صادرات فرش به خارج از کشور شده بود.

از سوی دیگر، چنان‌چه اشاره شد، علاوه بر علل داخلی، عوامل بیرونی، همچون مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی و فراهم نبودن وسایل حمل و نقل و صادرات، آشفتگی اوضاع اقتصادی کشورهای واردکننده فرش و کساد بازار فرش در خارج از کشور، از مهم‌ترین دلایل کاهش و تنزل صادرات در طول جنگ بوده است (ساکما، ۲۴۰/۶۷۶، برگ ۲۲). در همین راستا باید گفت اگر چه آثار و پیامدهای اقتصادی جنگ در اکثر کشورها نمایان بوده است، با این حال، خسارات ناشی از آن در کشورهای اروپایی که بازار اصلی فرش ایران در سال‌های قبل از جنگ محسوب می‌شد، بیشتر احساس

۱. نیروهای سواره حافظ امنیت راه‌ها و جاده‌های کشور در دوره قاجار (ن. ک: نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۴۰۶/۲).

## | بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش ایران | ۱۰۹

می شده است. بحران جنگ، نه تنها سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای اروپایی را به تحلیل برده بود، بلکه با تحمیل خسارات فراوان به مردم، زندگی آن‌ها را در تمام ابعاد، خصوصا در عرصه اقتصادی دگرگون ساخته بود. بنابراین، بازار فرش این کشورها کساد شده، مشتری سال‌های قبل از جنگ را نداشت. به طوری که بنا به گفته «سیسیل ادواردز» (Arthur Cecile Edwards) تاجر بازنشسته انگلیسی و پژوهش‌گر فرش، در همین زمان، نه تنها فروش و عرضه قالی بیرجند در بازارهای اروپایی متوقف گردید، بلکه فرش سلطان‌آباد نیز به طور کامل بازار خود در اروپا را از دست داد (سیسیل ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۵۴، ۱۹۷، ۲۳۰). در این بین، گزارش سفیر ایران در «ارزروم» نیز به خوبی کساد و وضعیت بازار فرش کشورهای اروپایی در زمان جنگ را روشن می‌سازد. در این گزارش آمده است: «... تجارت قالی قبل از جنگ در ممالک [اروپا] خیلی بیشتر رونق داشته، و فعلا ... به واسطه بحران اقتصادی، تجارت مزبور رواج قبل از جنگ را ندارد ... و در این تجارت نکث حاصل شده است ...» (ساکما، ۲۴۰/۳۳۶۸، برگ ۱).

علاوه بر کشورهای اروپایی، بازار ایالات متحده آمریکا از دیگر بازارهای فرش ایران در طی سال‌های قبل از جنگ بود. مندرجات اسناد موجود نشان می‌دهد که در طی این سال‌ها حجم قابل توجهی از فرش‌های صادراتی ایران راهی این بازار می‌شده است. به طوری که در سال ۱۹۱۳ م. / ۱۳۳۱ ق.، ارزش فرش‌های صادراتی از ایران به آمریکا ۱,۸۳۶,۷۳۸ دلار، برآورد گردیده است. در این بین، ارزش فرش‌های صادره از ترکیه، چین و هندوستان به آمریکا به ترتیب ۱,۸۵۲,۲۵۴، ۲۲۹,۸۸ و ۹۳۹,۰۳ دلار بوده است (همان، ۲۴۰/۱۷۱۹۶، برگ ۱۳). یعنی در واقع در آستانه جنگ جهانی اول، قالی ایران، ۵۱,۳۰ درصد از بازار فرش آمریکا را به خود اختصاص می‌داده است.

با این وجود، همزمان با سال‌های جنگ، به دلیل مسدود شدن راه‌های تجاری بین‌المللی، فرش ایران، خصوصا قالی کرمان و سلطان‌آباد بازار خود در آمریکا را از دست داده (سیسیل ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۵۴، ۱۹۷، ۲۳۰)، حجم و ارزش این گونه فرش‌های صادراتی به این بازار بسیار تنزل یافت. به طوری که بر اساس مندرجات اسناد مذکور، در طی سال‌های ۱۹۱۵ م. / ۱۳۳۳ ق.، ۱۹۱۶ م. / ۱۳۳۴ ق.، ۱۹۱۷ م. / ۱۳۳۵ ق. و ۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۶ ق.، ارزش فرش‌های صادراتی از ایران به آمریکا، به ترتیب به ۶۰۸,۳۷۱، ۵۴۹,۰۹۶ و ۹۱۳,۴۳۸ و ۶۱,۴۳۷ دلار رسید (ساکما، ۲۴۰/۱۷۱۹۶، برگ ۱۳) که در مقایسه با میزان فرش‌های صادراتی ایران در سال ۱۹۱۳ م. / ۱۳۳۱ ق. (۱,۸۳۶,۷۳۸)، کاملا سیر نزولی

داشته است. در این بین، گزارش سفارت ایران در واشنگتن در سال ۱۹۲۵م. / ۱۳۰۴ش.، خود گویای کاهش سهم فرش ایران از بازار آمریکا در طی سال‌های وقوع جنگ است. در این گزارش آمده است: در طی این سال‌ها «... مخصوصاً در سنوات ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ که عملیات تحت‌البحرهای آلمان کشتی‌های تجارتي را در مدیترانه و اقیانوس اطلس از کار باز می‌داشت، تجار قالی آمریکایی مال‌التجاره خود را از چین، به وسیله اقیانوس کبیر وارد و به این ترتیب از خطر تحت‌البحری‌ها محفوظ می‌داشتند. اهالی چین هم از موقع استفاده نموده، در تکمیل این صنعت کوشیدند و از آن وقت ... واردات قالی چینی رو به تزايد گذاشته و حتی سال [۱۹۲۴م. / ۱۳۰۳ش.] قیمت واردات قالی از چین و ایران تقریباً مساوی ...» گردید (استادوخ، ۱۳۰۴/۳۸/۵۶ش، برگ ۹).

جدول ذیل، میزان و ارزش فرش‌های صادراتی از ایران به ایالات متحده آمریکا در طی سال‌های جنگ جهانی اول را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: میزان و ارزش فرش‌های صادراتی از ایران به ایالات متحده آمریکا در طی سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۸م. / ۱۳۳۳-۱۳۳۶ق.

سال	یارد مربع	قیمت به دلار
۱۹۱۵م. / ۱۳۳۳ق.	۱۳۹,۴۳۳	۶۰۸,۳۷۱
۱۹۱۶م. / ۱۳۳۴ق.	۱۶۹,۳۲۷	۵۴۹,۰۹۶
۱۹۱۷م. / ۱۳۳۵ق.	۲۶۱,۵۱۶	۹۱۳,۰۳۸
۱۹۱۸م. / ۱۳۳۶ق.	۷۵,۸۰۸	۴۶۱,۴۳۷

(ماخذ: ساکما، ۱۷۱۹۶ / ۲۴۰، برگ ۱-۱۴).

بنابراین، با توجه به آن چه که ذکر شد و همچنین مندرجات جدول فوق، باید گفت میزان و ارزش فرش‌های صادراتی از ایران به ایالات متحده آمریکا در طی سال‌های جنگ جهانی اول، کاملاً نشان‌دهنده سیر نزولی صادرات فرش به این کشور در طی این دوره است. در این بین چنانچه گفته شد، صادرات فرش ایران به کشورهای اروپایی نیز از وضعیت مشابهی برخوردار بوده است.

با این حال، با توجه به مستندات موجود، آن چه مسلم است، با پایان یافتن جنگ و برقراری آرامش و امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، همچنین گشوده شدن راه‌های تجاری و رونق بازارهای جهانی فرش، علیرغم تعیین تعرفه گمرکی سنگین از جانب

## | بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش ایران | ۱۱۱

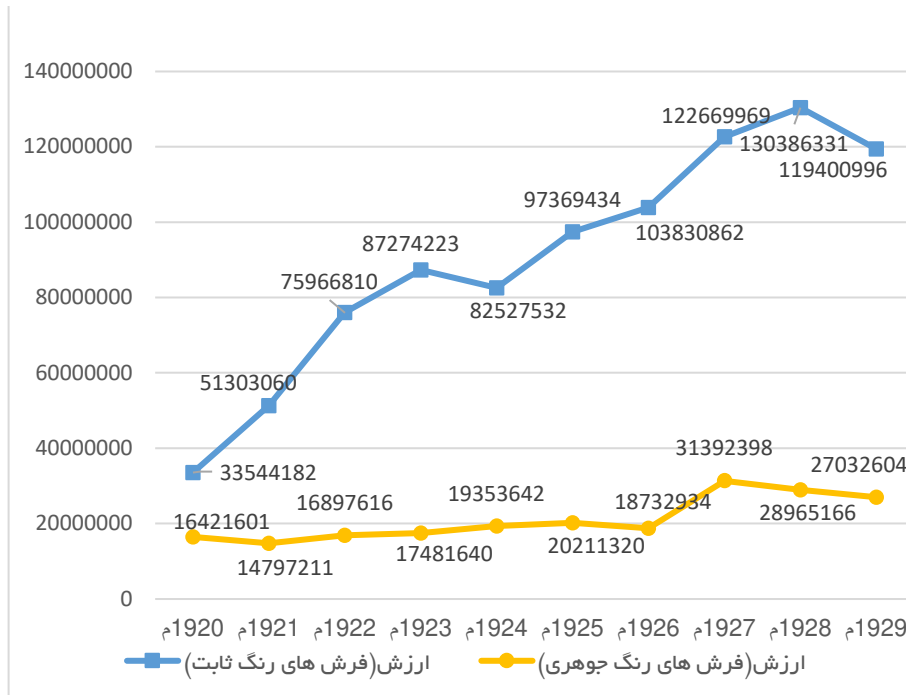
کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا نسبت به فرش ایران و تلقی آن به عنوان یک کالای تجملی، مجدداً صادرات فرش در بستر گذشته از سر گرفته شده، نه تنها رونق گذشته خود را بازیافت، بلکه به تدریج از توسعه و گسترش بالایی برخوردار گردید (سیسیل ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۳۰؛ استادوخ، ۱۳۸۵/۳۸: ۱۳۰۴ ش، برگ ۱۰). به طوری که در نیمه اول دوره پهلوی صنعت فرش ایران وارد دوره‌ای از شکوفایی شده، منجر به تشکیل شرکت سهامی فرش در سال ۱۹۳۵ م./۱۳۱۴ ش. گردید. مندرجات جدول ذیل که حجم و ارزش فرش‌های پشمی صادره از کشور در طی سال‌های پس از جنگ جهانی اول (اواخر دوره قاجار) و در ابتدای دوره پهلوی است، به خوبی گفته ما را تصدیق می‌کند.

جدول شماره ۲: حجم و ارزش فرش‌های پشمی صادره از کشور در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۲۹ م./۱۲۹۹-۱۳۰۸ ش.

سال	رنگ‌های ثابت		رنگ‌های جوهری	
	وزن (من)	قیمت (قران)	وزن (من)	قیمت (قران)
۱۲۹۹ م./۱۹۲۰ ش	۴۳۷,۸۹۱	۳۳,۵۴۴,۱۸۲	۲۵۱,۱۰۷	۱۶,۴۲۱,۶۰۱
۱۳۰۰ م./۱۹۲۱ ش	۷۵۰,۴۴۱	۵۱,۳۰۳,۰۶۰	۲۵۶,۹۱۰	۱۴,۷۹۷,۲۱۱
۱۳۰۱ م./۱۹۲۲ ش	۹۳۱,۲۶۱	۷۵,۹۶۶,۸۱۰	۳۳۳,۳۵۹	۱۶,۸۹۷,۶۱۶
۱۳۰۲ م./۱۹۲۳ ش	۱,۲۰۲,۵۵۰	۸۷,۲۷۴,۲۲۳	۳۵۵,۹۱۸	۱۷,۴۸۱,۶۴۰
۱۳۰۳ م./۱۹۲۴ ش	۱,۰۶۳,۷۰۴	۸۲,۵۲۷,۵۳۲	۳۳۸,۳۸۱	۱۹,۳۵۳,۶۴۲
۱۳۰۴ م./۱۹۲۵ ش	۱,۳۲۳,۰۳۱	۹۷,۳۶۹,۴۳۴	۳۷۴,۴۵۱	۲۰,۲۱۱,۳۲۰
۱۳۰۵ م./۱۹۲۶ ش	۱,۳۷۵,۱۹۸	۱۰۳,۸۳۰,۸۶۲	۳۲۹,۵۳۰	۱۸,۷۳۲,۹۳۴
۱۳۰۶ م./۱۹۲۷ ش	۱,۵۴۸,۲۹۵	۱۲۲,۶۶۹,۹۶۹	۴۷۲,۸۸۲	۳۱,۳۹۲,۳۹۸
۱۳۰۷ م./۱۹۲۸ ش	۱,۵۸۰,۲۳۰	۱۳۰,۳۸۶,۳۳۱	۴۴۸,۱۲۹	۲۸,۹۶۵,۱۶۶
۱۳۰۸ م./۱۹۲۹ ش	۱,۳۸۵,۳۵۷	۱۱۹,۴۰۰,۹۹۶	۳۷۵,۳۵۸	۲۷,۰۳۲,۶۰۴

(ماخذ: مجله اطاق تجارت، شماره ۱۶، بهمن ۱۳۰۹ ش: ص ۱۳).

نمودار جدول فوق به صورت زیر نمایش داده شده است.



نمودار شماره ۱: ارزش فرش های پشمی (ثابت و جوهری) صادره از کشور در سال های ۱۹۲۰-۱۹۲۹ م. / ۱۲۹۹-۱۳۰۸ ش.

(منبع: نگارنده).

نمودار فوق نشان دهنده رشد تدریجی ارزش صادرات فرش ایران به خارج از کشور در سال های پس از جنگ جهانی اول و دهه اول دوره پهلوی است.

### نتیجه

با احیاء تولید و تجارت فرش کشور در نیمه دوم قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق و توسعه این صنعت در اوایل سده ۲۰ م. / ۱۴ ق.، و در سال های منتهی به جنگ جهانی اول، علاوه بر گسترش گارگاه های قالی بافی و رونق تولید فرش در کشور، تجارت و صادرات آن نیز از شکوفایی خاصی برخوردار گردید. به طوری که در این زمان تجار و شرکت های داخلی و خارجی متعددی در این حوزه مشغول به فعالیت بودند و فرش های صادراتی ایران، عمدتاً به بازارهای اروپا و آمریکا صادر می گردید. با ای حال، همزمان با جنگ بین الملل، تحت تاثیر

## | بررسی و تحلیل تاثیر جنگ جهانی اول بر تولید و تجارت فرش ایران | ۱۱۳

عوامل داخلی و خارجی نظیر حضور نیروهای بیگانه در داخل کشور و ناامنی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن، همچنین مسدود شدن راه‌های تجاری داخلی و بین‌المللی و آشفتگی اوضاع اقتصادی کشورهای واردکننده فرش و به تبع آن کسادى بازارهای جهانی این کالا، تولید و تجارت فرش متوقف گردیده، میزان صادرات آن بسیار تنزل پیدا کرد. سرانجام، با پایان گرفتن جنگ، مجدداً چرخه تولید و تجارت فرش در بستر گذشته از سر گرفته شده، علیرغم ایجاد موانع از طرف دولت‌های غربی، نظیر تلقی فرش به عنوان یک کالای تجملی و تعیین تعرفه گمرکی سنگین بر واردات آن، تحت‌تاثیر جایگاه و سابقه درخشان قالی ایران در بازارهای جهانی، به تدریج تولید و صادرات این کالا به خارج از کشور افزایش یافت. به طوری که در آغاز دوره پهلوی (۱۹۲۵م. / ۱۳۰۴ش.)، میزان ارزش صادرات فرش ایران به ایالات متحده آمریکا، مهم‌ترین بازار بین‌المللی فرش، نسبت به سال ۱۹۰۷م. / ۱۳۲۵ق.، نوزده برابر گردید.

### فهرست منابع و مآخذ

#### الف. کتاب‌ها:

- ادواردز، آرتورسیسیل (۱۳۶۸). *قالی ایران*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: فرهنگ‌سرا.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*. تهران: زمینه.
- بنجامین، ساموئل‌گرین (۱۳۹۱). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه*. ترجمه محمد حسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۶). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۳۵). *تاریخ ایران*. جلد ۲. ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- سیف، احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳). *صنایع کهن (۱۸۰۰-۱۹۲۵)*، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.
- کرزن، ج. ن (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*، جلد ۲، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۱۴ | فصلنامه علمی مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۱۰ |

— گرکه، اولریخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق. جلد ۲، ترجمه پرویز صدری. تهران: نشر تاریخ ایران.

— نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی*، جلد ۲، به کوشش معصومه مافی و دیگران، تهران: نشر تاریخ ایران.

ب. اسناد:

— سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه سند، ۲۴۰/۶۷۶.

— .....، شناسه سند، ۲۴۰/۳۳۶۸.

— .....، شناسه سند، ۲۴۰/۱۱۶۷۶.

— .....، شناسه سند، ۲۴۰/۱۴۹۴.

— .....، شناسه سند، ۲۴۰/۱۵۵۳۷.

— .....، شناسه سند، ۲۴۰/۱۷۱۹۶.

— .....، شناسه سند، ۲۴۰/۴۷۴۸۲.

— .....، شناسه سند، ۳۶۰/۶۲۴۶.

— اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، شماره سند، ۱۳۱۸/۱۸/۲۱ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۲۴/۱۳/۱۱ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۲۹/۱۱/۳۷ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۳۰/۵۴/۳۷ ق.

— .....، شماره‌سند، ۱۳۳۲/۴۴/۲ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۳۲/۵۴/۷ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۳۲/۵۴/۱ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۳۳/۴۴/۱۸ ق.

— .....، شماره سند، ۱۳۳۳/۵۰/۷ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۳/۵۴/۲۲ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۳/۵۴/۷ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۵/۲/۱۵ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۶/۵۵/۵ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۶/۵۵/۸ ق.

— .....، سند شماره، ۱۳۳۶/۵۵/۶ ق.



- ..... سند شماره، ۱۳۳۶/۶۱/۵.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۶/۶۵/۸.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۶/۵۵/۲۲.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۶/۶۵/۸.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۶/۸۸/۸.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۷/۶۷/۱۹.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۸/۴۶/۳.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۸/۴۹/۳.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۳۹/۲۶/۹.ق.
  - ..... سند شماره، ۱۳۰۴/۳۸/۵۶.ش.
  - ..... سند شماره، ۱۳۰۵/۳۸/۱۳.ش.
- پ. مجلات و نشریات:
- مجله اطاق تجارت، شماره ۱۶، سال ۱۳۰۹.ش.
  - مجله فلاح و تجارت، شماره ۹، سال ۱۲۹۷.ش.
  - ..... شماره ۵، سال ۱۲۹۷.ش.
- ت. مقاله‌ها:
- اتحادیه، منصوره و رسول پروان (۱۳۸۹). تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، دوره ۲، شماره ۵.
  - ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۳). رویکرد تجار به مسائل سال‌های جنگ اول جهانی، فصلنامه گنجینه اسناد، دوره ۱۴، شماره ۲.
  - جیریائی، مهدی، مفتخری، حسین و محمد سلیمانی مهرنجان (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان‌آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰.ق. / ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱.م.، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، سال دهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۸).
  - لعبت‌فرد، احمد و جهانبخش ثواقب (۱۳۹۵). عوامل موثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم میلادی، فصلنامه تاریخ ایران، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۹، شماره ۲۰.
- ث. دانش‌نامه‌ها:
- Ittig, Annette. 1990. "Qajar Period Carpets". *Encyclopaedia Iranica*. Volume IV. Edited by Ehsan Yarshater, London and Newyork.

## Investigating the Impacts of First World War (1914/ 1332) on the Production and Trade of Iranian Carpet

*Mostafa Mollaei\**

### Abstract

With the revival of the production and trade of Persian carpet in the second half of the 19th century, domestic and foreign capital used in this productive field, led to investment by local and foreign merchants and companies in the carpet industry of the country. With the expansion of these investments and the creation of carpet-weaving workshops in the late 19th and early 20th centuries, not only did carpet production enjoyed a boost, but its business also globally flourished. Despite World War I (1914-1918<sup>s</sup>/ 1332-1336<sup>AH</sup>) and the resulting fluctuations, this trend continued until late Qajar era. The present descriptive-analytic study, using the available documents, aimed to investigate the production and trade of carpet during World War I, and to answer this question that what impacts this war has had on the country's carpet production and trade. The research findings show that with the onset of the war and the resultant insecurities, besides the closing down of the productive activities of the investment companies, carpet production decreased internally. In addition, with the blocking of international trade routes and the emergence of problems in exporting carpets abroad, as well as the economic turmoil in carpet importing countries and the downturn in carpet markets, exports of carpet also greatly diminished.

**Keywords:** World War I, Qajar, carpet, production, trade.

---

\* PhD in Iranian Studies, Shahid Beheshti University; Email: m.s.mollaii@gmail.com  
| Received: May 29, 2019; Accepted: December 19, 2019|